

خبر

چاپ سه کتاب جدید از

«جهان تازه داستان»

بخش فرهنگی - ۳ مجموعه داستان «پلک ماهی»، «باران بمبئی» و «همین امشب برگردیم» در قالب عناوین مجموعه جهان تازه داستان توسط نشر چشمه منتشر و راهی بازار نشر شدند.

به گزارش مهر، ۳ مجموعه داستان «پلک ماهی»، «باران بمبئی» و «همین امشب برگردیم» در قالب عناوین مجموعه جهان تازه داستان به تازگی توسط ر چشمه منتشر و راهی بازار نشر شدند. این کتاب ها به ترتیب، عناوین ۱۲۸، ۱۲۹ و صد و چهلم این مجموعه هستند.

«پلک ماهی» نوشته حمده حبیبی است و ۱۱ داستان کوتاه را با عناوین زیر در بر می گیرد:

رفتن، سومی، مسافر، در نوری که از آشپزخانه می آید، تعطیلاتی طولانی در هاوایی، نیروی جدید، پلک ماهی، زوج بن تن، گهرباران، در یک روز اتفاق افتاد، بازگشت. داستان‌های این کتاب، از نظر درون مایه با یکدیگر در ارتباط هستند. در این داستان‌ها اتفاق خاصی نمی‌افتد اما طنین اتفاقات معمول است که اهمیت پیدا می کند.

این کتاب با ۸۷ صفحه، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۸۰ هزار ریال منتشر شده است.

کتاب بعدی، «باران بمبئی» نوشته پیام یزدانجو است. این کتاب چهارمین اثر چاپ شده از نویسنده اش است. یزدانجو در آثار پیشین خود، دغدغه اش درباره ساختار، بداعت داستانی و روایت اثر را نشان داده است. این داستان نویس، ترجمه آثاری از ریچارد براتیگان را نیز در کارنامه دارد.

مجموعه داستان پیش رو، ۹ داستان کوتاه را از سال های زندگی و تجربیات یزدانجو در هند شامل می شود که عناوین شان به ترتیب عبارت است از: ماتنرا، دوالوکا یا میدان خدایان، الابه، کاماسوترای آمریکایی، مرگ های مادر ترزا، تنوسوفیست، در برج خاموشی، خاویر مرد معجزات، باران بمبئی.

داستان های این کتاب از نظر محتوا، به هم نزدیک بوده و شخصیت های حاضر در آن ها، به طور مداوم با وجوه مختلف آگاهی، رازآلودگی و گم شدن مواجه می شوند.

در قسمتی از داستان «در برج خاموشی» می خوانیم:

چند قدمی که دورتر شد ایستاد و سرش را برگرداند و گفت: «نگذار لاشخورها به گوشت ها نزدیک شوند.»

رفت و رفت تا پشت تپه پنهان شد. بوی گوشت گندیده زیر آفتاب ستمگر سمج تر شده بود. هوا سنگین بود و بادی هم نمی وزید. از این فاصله، ردیف آینه های کنار دخمه بیش تر به رشته ای از چاه های سفید بی آب شباهت داشت. دشت دارودرخت داشت، و آب نداشت. تنها مایعی که آن دوروبر دیده می شد عرق های سروگردن من و خونا به های رو و توی کیسه ها بود. یک کیسه گوشت را روی زمین ریختم و بقیه را هم کنار گاری روی هم تل انبار کردم. چند لاشخور از روی تپه بلند شدند و سمت من به پرواز درآمدند. نگاه شان کردم. گشتی در آسمان زند و برای خوردن گوشت ها پایین نیامدند. سرم را که پایین آوردم، نگهبان دخمه را دیدم که با گله کوچکی از لاشخورهای کوچک به سمت من می آمد.

به من که رسید، بند پای هر چهار تای شان را به گاری بست و رهای شان کرد تا به میل خودشان از خودشان پذیرایی کنند. بچه لاشخورها گوشت ها را با مهارت فوق العاده تکه پاره می کردند و با ولع تمام می خوردند.

گفتم: «فرق این‌ها با آن‌ها چیست؟»

نگهبان گفت: «آن‌ها مردنی‌اند، همین روزها است که کارشان یکسره شود. این ها را تازه از نپال آورده اند.» این کتاب به ۱۹۲ صفحه، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۱۵۰ هزار ریال به چاپ رسیده است.

کتاب صد و چهلم «جهان تازه داستان» هم آثری از پیمان اسماعیلی است که به تازگی نشست و نقد و بررسی اش هم برگزار شد. این کتاب با عنوان «همین امشب برگردیم» جدیدترین کتاب نویسنده «برف و سمفونی ابری» است. این کتاب چهارمین کتاب و سومین رمان اسماعیلی است.

داستان‌های این کتاب خلاف دو کتاب تازه چاپ شده دیگر مجموعه «جهان تازه داستان»، فضاهای متفاوتی دارند اما دغدغه نوشته شدنشان، همان دغدغه‌ای است که مخاطبان از اسماعیلی سراغ دارند: هراس! مخاطب در این کتاب با ماجراهایی در مکان‌هایی خاص روبرو می‌شود که امنیت ذهنش را مختل می‌کند. نویسنده در این داستان‌ها نشان می‌دهد آن بیرون چیزی یا کسی یا شاید جمعیتی به کمین نشسته اند و منتظر فرصت اند تا کار را تمام کنند.

پیش از شروع داستان‌های کتاب، این جمله از فصل چهارم «الیس در سرزمین عجایب» درج شده است: صدای پایی روی پله‌ها شنیده شد. آلیس فهمید که خرگوش سفید به دنبالش آمده و از ترس به لرزه افتاد و لرزه‌اش خانه را تکان داد.

عناوین داستان های این کتاب به این ترتیب است: دنیای آب، تونل، کانبرای من، روز یابود، واندرلند.

این کتاب با ۹۱ صفحه، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۸۵ هزار ریال به بازار نشر عرضه شده است.

پرویز شهیدی

میان همه ملت ها و همه زبان ها، نویسندگان و گویندگانی طنزپرداز بوده اند و هستند، اما به گمان من ایتالیا و نیز کشور خودمان، ایران، دست بالا را دارند. البته چون ما به نفر کمتر پرداخته ایم، همه طنزپردازهایمان در قالب شعر طبع آزمایی کرده اند، اما ایتالیایی ها به ویژه در قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم، با نوشته ها و فیلم هایشان موجی از نوگرایی و طنز تلخ و گاه بسیار گزنده را در این کشور به وجود آوردند؛ فیلم هایی که شاید فقط هم سن و سال های من به یاد دارند و در حال حاضر اثری از آن ها نمی بینیم. (به ویژه با دوبله های سراسر متلک پرانی و گوشه کنایه های پرمعنی و همزمان خنده دار).

فیلم هایی با مضامین طعم تلخ شکست، غرور جریحه دار شده، سست عنصری بادمجان دور قاب چین هایی که دور و بر موسولینی خل و چل و خودبزرگ بین را گرفته بودند که می خواست امپراتوری رم قدیم را زنده کند و بعد هم فقر و بحران های اجتماعی که هنوز که هنوز است ایتالیا با آن دست به گریبان است.

نویسندگانی مانند بوتزانی، چزاره پاوزه، لوییجی پیراندلو و به ویژه کالوینو با داستان ها، نمایشنامه ها و فیلمنامه ها، چهره کرپه جنگ و پیامدهای وحشتناکش را به همه مردم جهان نمایاندند. کالوینو طی عمر کم و بیش کوتاهش (۱۹۸۵-۱۹۲۳) آثار زیادی را در همه زمینه ها، از گذشته و حال و آینده ارائه داد. برای او زمانی و قالب داستان مهم نیست، زیرا ویژگی طنز در این است که ماجراهایی به ظاهر فتنی و دور از واقعیت را که در عین حال گویای حقیقت هایی تلخ هستند به کار بگیرد.

گوناگونی و تنوع فراوان در آثار کالوینو، او را پیشتاز نویسندگان ایتالیا در این زمینه قرار داد: «شوالیه ناموجود»، «ویکت دو نیم شده»، «بارون درخت نشین»، «کمدی های کپهائی»، «مارکو والدو»، «اگر شبی از شب های زمستان مسافری»، «شش یادداشت برای هزاره بعدی»، «چرا باید کلاسیک ها را خواند»، «شهرهای نامبری»، «شاه گوش می کند»، «مورچه های آرژانتین»، «افسانه های ایتالیایی» و بسیاری آثار دیگر گویای این گوناگونی در نوشته های کالوینوست.

پرداختن به مجموعه آثار، طرز فکر، سبک نویسندگی و ذوق و طبع شاعرانه اش، داستان درازی است که از محدوده این مختصر بیرون

{فرهنگ و هنر}

ایتالو کالوینو، طنزپردازی از گذشته و حال و آینده

است. من ترجیح می دهم به سه گانه «نیاکان ما» بپردازم که شامل سه داستان شوالیه ناموجود، ویکنت دو نیم شده و بارون درخت نشین می شود و خودم آن ها را ترجمه کرده ام و توصیف و اظهارنظر درباره سایر آثار ترجمه شده و نشده اش را به دوستان دیگری واگذار کنم.

«ویکت دو نیم شده» اثری است عرفانی. در این اثر بحث درباره بزرگ ترین اشتغال فکری آدم ها چه در گذشته و چه در حال، یعنی خیر و شر است. گفتم عرفانی به این دلیل که هر یک از این دو ویژگی، دو سر یک خط هستند؛ یکی در افراط و دیگری در تقریض.

داستان درباره اصیل زاده ای اشرافی است که به جنگ با ترک ها(!) می رود، با گلوله توپ به دو نیم می شود، یک نیمه می میرد و نیمه دیگر که زنده می ماند به کاخ و املاکش بر می گردد. دست به هر کاری می زند، جز ظلم و ستم و سنگدلی، آسیب رساندن به آدم و حیوان و گیاه و حتی زمین کار دیگری ندارد.

مدتی بعد سر و کله نیمه دوم که ظاهرا نمرده بود پیدا می شود، این یکی درست عکس نیمه اول عمل می کند، اما در یاری رساندن، خیرخواهی، کمک های نیکوکارانه و انسان دوستانه چنان زیاده روی می کند که همه به تنگ می آیند و می گویند عطایت را به لقایت بخشیدیم. سرانجام در نبردی که بر سر عشق دختری میانشان در می گیرد، به هم می پیوندند و تعادل برقرار می شود. پس خیر به مفهوم مطلق یا به

عبارت دیگر آرمانشهر هم مانند شهر ناهنجاری ها و عیب های خودش را دارد، همچنان که در عالم هستی فرایند دو نیروی مثبت و منفی نقطه ای تعادل است، جایی که نظم و هماهنگی برقرار می شود.

در «شوالیه ناموجود» به مسخره گرفتن جنگ های صلیبی است که همه چیز در آن ها مطرح بود جز موضوع اصلی یعنی پس گرفتن مکان های مقدس مسیحی ها از دست مسلمان ها. کالوینو در این داستان آن چنان لطایفی به کار می برد و چنان صلیبی ها را که از روی چشم و همچشمی در این نبردها شرکت می کردند به مسخره می گیرد که خواننده ضمن خواندن ماجراهایی نشاط انگیز به واقفیت تلخی که نه تنها در جنگ های صلیبی بلکه در همه جنگ ها از روی خودخواهی، غرور، جاه طلبی و آزمندی درمی گیرند، پی می برد.

شوالیه ای که جز زرهی ستراسری چیز دیگری نیست و درون زره هیچ کس وجود ندارد، نماد واقعی، افکار و خواست های بوج و ادعاهای بی پایه همه آدم هاست. از جمله لطیفه هایی که کالوینو در این داستان به کار می برد این است که می گوید در نبرد میان مسیحیان و مسلمان ها هر یک به جای درگیر شدن با هم، به گفتن ناسزا و فحش های رکیک به زبان خودشان اکتفا می کردند.

در نتیجه مترجم هایی وجد داشتند که این ناسزاها و پاسخ هایشان را ترجمه می کردند و به



بارون خون آلود

روناک حسینی

زمین حتی به درد مردن هم نمی خورد. سر و ته قصه بارون درخت نشین را که ببینید، تپش احتمالا چنین نتیجه ای دارد: دست کم برای خود بارون. «من دیگر هیچ وقت پایین نمی آیم». بارون کوزیمو در همان بخش های ابتدایی داستان این را می گوید و تا آخر عمر هم سر حرفش می ماند. پانشا طی بارون این بود که در منطقه ای پرخطر زندگی می کرد.

وقتی دیگر زندگی با پدری با توهم اشرافیت و مادری ژنرال، خاھری راهبه و کشیشی پیر و وکیلی مزور را تحمل کرد، یک روز سر میز غذا، در اعتراض به خوراک حلزون، از پشت میز بلندشد. از خانه بیرون رفت و روی شاخه یکی از درخت های باغشان مستقر شد. حالا هرقدر هم برادر کوچک آدم پایه شیطنت ها و خیره سری ها باشد، تحمل زندگی در ساختاری تنهایی و انزوا با زمینی ها بیشتر درگیر و مهجوز می شود و این رفتار قزل الا مانند و حرکت در جهت خلاف رودخانه، او را به حقایقی می رساند که زمینی ها از آن بی خبرند. کوزیمو از دوازده سالگی تا پایان عمر از این درخت به آن درخت می رود و از فراز درختان دورنمای وسیع تری به زندگی پیدا می کند و حتی به نعمت عشق که ناپلئون مغرور هم به او عبطه می خورد؛ «دلش می خواست اگر ناپلئون نبود، کوزیمو بود».

این کتاب به شدت سبکلیک است. کوزیمو نماد انسان هایی است که نگاهی فراتر از انسان های عادی با روزمرگی ها و دیدگاه محدودشان دارند. او یک شورشوی عصیانگر است که زندگی روتین را تاب نمی آورد و روشی متفاوت را بر می گزیند. او از سنت های دست و پاگیر و اشرافیت موروثی خانواده اش فرار می کند و دنیای شخصی خود را آن گونه که می خواهد شکل می دهد.

برادرش، بیاج دریک، در بیانی تمثیلی می گوید: «باید داستان را سایلین چمنمان می کردیم تا بتوانیم کوزیمو را ببینیم.» به این ترتیب کوزیمو مرتبه ای فرانسائی و فرازمینی می یابد و حتی سعی در تغییر رفتار انسان های زمینی دارد: «بالای درختان برای خودمان ارتشی درست می کنیم و زمین و مردمانش را آدم می کنیم.» همین رهبر شورشوی وقتی با عشق رو به رو می شود در می یابد که بی شناخت عشق، تجربه های دیگر می خواهیم خودمان باشیم؟ عیبی ندارد. تیغ های آخته آن ها، جگرمان را از هم در می برد.

در ابتدا جوانیم و با ایده هایی به روشنی افتاب، هیچ چیز نمی تواند امیدمان را ناامید کند. ضربات در طول مسیر خون آلودمان می کند. دست آخر هم یا به جره ژنرال ها و دوک ها و کشیش ها می پیوندیم و احساساتمان را در تاریک ترین دخمه ها زنده به گور می کنیم، یا بارون های خون آلودی هستیم که روی زمین آنقدر راه خودمان را می رویم که آخرین قطره خونمان هم تمام شود.

چهارشنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۹۵

خبر

نامزدهای جوایز «بفتا»

اعلام شدند

بخش فرهنگی - آکادمی هنرهای فیلم و تلویزیون بریتانیا (بفتا) فهرست نامزدهای جوایز این رویداد سینمایی را اعلام کرد.

به گزارش ایسنا به نقل از اسکرین، فیلم «لالا لند» ساخته «دمین شزل» که روز گذشته در جوایز گلدن گلوب درخشش فوق‌العاده‌ای داشت، در جوایز بفتا ۲۰۱۷ نیز با نامزدی در ۱۱ شاخه پیشتاز است و دو فیلم «وورد» ساخته «دنیس ویلنوو» و «حیوانات شبانه» از «تام فورد» نیز هر کدام در ۹ شاخه نامزد کسب جایزه معرفی شدند.

«بارتین اسکورسیزی» با فیلم «سکوت» و «کلینت ایستوود» با فیلم «سالی» دو سینماگر سرشناسی هستند که امسال جایی در میان نامزدهای جوایز آکادمی فیلم و تلویزیون بریتانیا (بفتا) ندارند.

فهرست کامل نامزدهای هفتادمین دوره جوایز بفتا به شرح زیر است:

•بهترین فیلم: «وورد» (دنیس ویلنوو)، «من، دنیل بلیک» (کن لوچ)، «لالا لند» (دمین شزل)، «منچستر کنار دریا» (کت لوترگان)، «مهبتاب» (بری جنکینز)
•بهترین فیلم بریتانیایی: «عزیز آمریکایی»، «انکار»، «هیولاهای شگفت‌انگیز و زیست‌گاه آن‌ها»، «من، دنیل بلیک»، «یادداشت‌هایی درباره کوری» و «زیر سایه»

•بهترین فیلم غیر انگلیسی: «دپیان» (فرانسه)، «جولیتا» (اسپانیا)، «موستانگ» (فرانسه)، «پسر شاتول» (مجارستان)، «تونی اردمان» (آلمان)

•بهترین مستند بلند: «سیزدهمین» (اَ وُ دورورنای)، «یتلنز: هشت روز یک هفته» (ران هاوارد)، «شکارچی عقاب» (اوتو بل و استیسی ریس)، «یادداشت‌هایی

پیرامون کوری» (پیتر میدلتون و جیمز اسپینی)، «وینز» (جاش کریگمن و الیس استاینبرگ)

•بهترین انیمیشن: «در جستجوی دُرِی»، «کوبو و دوتار»، «موآنا»، «زوتوییا»

•بهترین کارگردانی: «دنیس ویلنو» (وورد)، «کن لوچ» (من، دنیل بلیک)، «دمین شزل» (لالا لند)، «کت لوترگان» (منچستر کنار دریا)، «تام فورد» (حیوانات شبانه)

•بهترین فیلمنامه اصلی: «اگر سنگ بیارد» (تام شربدان)، «من، دنیل بلیک» (پل لاورتی)، «لالا لند» (دمین شزل)، «منچستر کنار دریا» (کت لوترگان) و «مهبتاب» (بری جنکینز)

•بهترین فیلمنامه اقتباسی: «وورد» (اریک هایسرر)، «ستیج ارهای» (اندرو نایت و رابرت شنکان)، «چهره‌های

پنهان» (تودور ملفی و الیسون شرودر)، «حیوانات شبانه» (تام فورد)، «شیر» (لوک دیویس)

•بهترین بازیگر مرد: «اندرو گارفیلد» (ستیج آراهی)، «کیسی افلک» (منچستر کنار دریا)، «جیک جیلنهال» (حیوانات شبانه)، «رایان گاسلینگ» (لالا لند)، «ویگو

مورتسن» (کاپیتان فنتاستیک)

•بهترین بازیگر زن: «ایمی آدامز» (وورد)، «امیلی بلانت» (دختری در قطار)، «اما استون» (لالا لند)، «هریل استریپ» (فلورانس فاستر جنکینز)، «اتالی پورتمن» (جکی)

•بهترین بازیگر مرد نقش مکمل: «آرون تیلور جانسون» (حیوانات شبانه)، «دیو پاتل» (شیر)، «هیو

گرانث» (فلورانس فاستر جنکینز)، «جف بریجز» (اگر سنگ بیارد)، «ماهرشالا علی» (مهبتاب)

•بهترین بازیگر زن نقش مکمل: «هیلی اسکواپرز» (من دنیل بلیک)، «هیشله ویلیامز» (منچستر کنار دریا)، «داستین اوهالوران» و «هاوشکا» (شیر)، «ایل کورزنیوسکی» (حیوانات شبانه)

•بهترین فیلمبرداری: «بردفورد یانگ» (وورد)، «گیلس ناجنز» (حتی اگر سنگ بیارد)، «لینوس سندبرگ» (لالا لند)، «گریگ فریزر» (شیر)، «سیموس مک‌گریوی» (حیوانات شبانه)

•بهترین تدوین: «وورد»، «ستیج ارهای»، «لالا لند»، «منچستر کنار دریا»، «حیوانات شبانه»

•بهترین طراحی صحنه: «دکتر استریج»، «هیولاهای شگفت‌انگیز و زیستگاه آن‌ها»، «درود بر سزار»، «لالا لند»، «حیوانات شبانه»

•بهترین طراحی لباس: «متفقین»، «هیولاهای شگفت‌انگیز و زیستگاه آن‌ها»، «جکی»، «لالا لند»
• بهترین چهره‌پردازی: «دکتر استریج»، «فلورانس فاستر جنکینز»، «ستیج ارهای»، «حیوانات شبانه»، «روگ وان: داستانی از جنگ ستارگان»

•بهترین جلوه‌های ویژه تصویری: «وورد»، «دکتر استریج»، «جانوران شگفت‌انگیز و زیست‌گاه آن‌ها»، «کتاب جنگل» و «روگ وان: داستانی از جنگ ستارگان»

مراسم پایانی هفتادمین دوره جوایز آکادمی فیلم بریتانیا (بفتا) روز ۱۲ فوریه (۲۴ بهمن) با اجرای «استفن فرای» در لندن برگزار می‌شود.